

آزادی؛ میراث جاودانه ایران

قلب ایران بیش از یک قرن است که برای آزادی می‌تپد. از روزگار انقلاب مشروطه تا امروز، از کوچه‌های پرخروش تبریز تا خیابان‌های پرخون تهران، از فریادهای آشکار «زن، زندگی، آزادی» تا نجواهای خاموش در سلول‌های تاریک زندان‌ها، یک آرزو در ژرفای جان این ملت همواره زنده مانده است: آزادی. این واژه نه تنها یک مفهوم سیاسی، بلکه جوهره هویت ملی و فرهنگی ماست؛ واژه‌ای که بارها و بارها از لابه‌لای خاکستر شکست‌ها و رنج‌ها سر برآورده و به مشعلی برای ادامه راه بدل شده است. در هر نسلی، گروهی برخاسته‌اند تا بار این آرمان را بر دوش کشند و آن را به نسل بعدی بسپارند. آزادی در ایران میراثی زنده است؛ میراثی که هیچ استبداد و سرکوبی نتوانسته است آن را خاموش کند.

ملت ایران در طول تاریخ خود، بارها برای رهایی از زنجیرهای استبداد و ظلم قیام کرده است. انقلاب مشروطه نقطه عطفی بود که ملت برای نخستین بار توانست به صورت سازمان‌یافته، مفهوم آزادی را از ساحت رؤیا به عرصه سیاست و قانون بیاورد. در آن دوران، مردم تصمیم گرفتند به جای حکومت فردی و استبدادی، حکومت قانون را بنیان نهند و برای نخستین بار، حقوق شهروندی و آزادی‌های بنیادین را در ساختار قدرت نهادینه کنند. با این حال، این مسیر هرگز هموار نبود. استبداد، با چهره‌های گوناگون و در قالب‌های مختلف، بارها بازگشت؛ گاه در لباس سلطنت مطلقه و گاه در قالب دیکتاتوری ایدئولوژیک. هر بار که ملت برخاست، سرکوب شد و به خاک افتاد، اما دوباره قد برافراشت. تاریخ ایران گواه آن است که شکست، هرگز پایانی بر آرمان‌ها نبوده بلکه پلی بوده برای آگاهی و اتحاد بیشتر. امروز بار دیگر نسلی تازه به صحنه آمده است؛ نسلی که هرگز طعم آزادی واقعی را نچشیده اما با فریاد «زن، زندگی، آزادی» به میدان آمده است. این جنبش نه تنها یک حرکت سیاسی بلکه بیانیه‌ای فرهنگی، فلسفی و اخلاقی است که از عمق یک قرن تجربه و رنج ملت ایران برآمده است. این شعار حلقه اتصال مبارزات گذشته و امیدهای آینده است؛ پلی میان مشروطه‌خواهان دیروز و آزادی‌خواهان امروز.

در جهان امروز، آزادی به ارزش محوری زندگی ملت‌ها تبدیل شده است. حکومت‌ها با رأی مردم بر سر کار می‌آیند و با رأی مردم کنار می‌روند. آزادی اندیشه و بیان به عنوان حقوق مسلم و غیرقابل انکار پذیرفته شده است و انسان‌ها آزادانه سرنوشت خویش را رقم می‌زنند. کرامت انسانی در بسیاری از کشورها در بالاترین جایگاه قرار گرفته و رشد و پیشرفت جوامع بر این پایه استوار شده است. اما ایران همچنان درگیر ساختارهای پوسیده و کهنه‌ای است که حقیقت را به زنجیر کشیده و اراده مردم را گروگان گرفته است. در حالی که بسیاری از ملت‌ها با آزادی می‌بالند و شکوفا می‌شوند، ایرانیان هنوز در سرزمینی زندگی می‌کنند که در آن گفتن حقیقت می‌تواند بهای سنگینی داشته باشد؛ گاه حتی بهای جان. این شکاف میان ایران و جهان آزاد، فاصله‌ای است که نه تنها مانع رشد اقتصادی و فرهنگی شده بلکه روح جامعه را نیز فرسوده کرده است. آزادی امروز برای بسیاری از ملت‌ها بدیهی است، اما برای ایرانیان هنوز آرزویی است که برای تحقق آن باید جنگید و هزینه داد.

آزادی وعده‌ای نیست که حاکمان به مردم بدهند یا از آنان دریغ کنند. آزادی حقی است که در سرشت هر انسان نهادینه شده است. ما حق داریم بدون ترس سخن بگوییم، بیندیشیم و زندگی کنیم. این حق، جوهر وجودی ماست و هیچ حکومتی نمی‌تواند مشروعانه آن را انکار کند. تاریخ به ما نشان داده است که در هیچ نقطه‌ای از جهان، آزادی به رایگان به دست نیامده است. ملت‌ها برای رسیدن به آن، فداکاری کرده‌اند و بهای سنگین پرداخته‌اند؛ از جان‌فشانی گرفته تا تحمل سال‌ها رنج و مبارزه. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. هر



دستاوردی در این مسیر، بر شانه‌های تلاش نسل‌هایی استوار است که پیش از ما زیسته‌اند و برای آزادی جنگیده‌اند. سرزمینی که روزگاری پرچمدار دانش، هنر و آزادی بود، امروز زیر سایه تاریکی و استبداد نفس می‌کشد. اما همان‌گونه که تاریخ بارها ثابت کرده است، حتی در تاریک‌ترین لحظات، شعله آزادی در دل ملت خاموش نمی‌شود.

مفهوم آزادی در تاریخ اندیشه بشری به اشکال گوناگون تعریف شده است. در دنیای غرب، دو برداشت اصلی شکل گرفته است که هر یک بر جنبه‌ای خاص از آزادی تأکید دارند. نخست، برداشت آنگلو ساکسونی یا لیبرالیسم است که ریشه در اندیشه‌های جان لاک دارد. در این دیدگاه، آزادی به معنای رهایی از سلطه و ترس است. این نوع آزادی بر حقوق فردی، مالکیت خصوصی و محدود کردن قدرت حکومت تأکید می‌کند و تجربه دموکراسی‌های مدرن، به‌ویژه در اروپا و آمریکای شمالی، بر اساس همین نگاه بنا شده است. برداشت دوم، به فضای فکری آلمان و کشورهای آلمانی‌زبان مربوط می‌شود و با نام «فرای‌زین» شناخته می‌شود. در این نگاه که به اندیشه‌های ایمانوئل کانت پیوند خورده، آزادی صرفاً به معنای رهایی بیرونی نیست، بلکه توانایی عقل برای داوری مستقل و جستجوی حقیقت است. این برداشت بر مسئولیت‌پذیری و خودبنیادی انسان تأکید می‌کند و هنوز هم در سیاست این کشورها بازتاب دارد؛ برای نمونه، در سوییس حزبی با نام «فرای‌زین» فعال است و در آلمان و اتریش احزاب مشابهی با عنوان «دموکرات‌های آزاد» وجود دارند. اما در ایران، آزادی معنایی بومی و ویژه یافته است. انقلاب مشروطه این مفهوم را از عرصه فلسفه و اندیشه به میدان عمل آورد. آزادی در این دوره به معنای رهایی از حکومت خودکامه و جایگزینی آن با نظامی مبتنی بر قانون و مشارکت مردم بود. این نخستین گام برای ساختن ایران مدرن بود و از آن زمان تا امروز، از مشروطه تا جنبش «زن، زندگی، آزادی»، ملت ایران بارها نشان داده است که اراده جمعی برای آزادی، ریشه‌ای عمیق در این سرزمین دارد. اگرچه استبداد بارها در برابر آن قد علم کرده، شعله آزادی هرگز خاموش نشده است.

برای رسیدن به آزادی، نخستین گام کنار گذاشتن هر آن چیزی است که بذر تفرقه می‌باشد. تاریخ نشان داده است که مستبدان همواره از اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی برای حفظ قدرت خود بهره برده‌اند، زیرا به‌خوبی می‌دانند که ملتی متحد، نیروی شکست‌ناپذیر است. همبستگی ملی به معنای حذف تفاوت‌ها نیست، بلکه به معنای پذیرش تنوع و احترام به حقوق همه شهروندان است. در ایران آزاد آینده، هیچ‌کس نباید به دلیل عقیده، جنسیت، زبان یا قومیت خود مورد تبعیض یا سرکوب قرار گیرد. تنها در چنین فضایی می‌توان امید داشت که جامعه بازسازی شود و راهی به سوی پیشرفت و عدالت گشوده گردد.

آزادی تنها ارزشی است که در گذر زمان نه تنها کهنه نمی‌شود، بلکه همچون چراغی فروزان مسیر آینده را روشن می‌کند. امروز ما وارث بیش از یک قرن مبارزه، فداکاری و امید هستیم. این میراث به ما مسئولیتی بزرگ می‌دهد: نه تنها برای به دست آوردن آزادی، بلکه برای حفظ و گسترش آن برای نسل‌های آینده. اگر بخواهیم این مسئولیت را به درستی به انجام برسانیم، باید از شکست‌های گذشته درس بگیریم، از رنج‌ها نیرو بسازیم و از تجربه‌ها سرمایه‌ای برای حرکت به جلو خلق کنیم. اکنون زمان آن است که چرخه تاریخی آزادی کامل شود؛ چرخه‌ای که از انقلاب مشروطه آغاز شد، با خون و اشک نسل‌ها ادامه یافت و امروز در شعار «زن، زندگی، آزادی» به اوج رسیده است. آینده ایران را می‌توان ساخت؛ آینده‌ای که در آن آزادی نه یک آرمان دوردست، بلکه واقعیتی زنده و جاری در زندگی هر شهروند باشد. این آینده تنها با همبستگی ملی، شجاعت و ایستادگی به دست خواهد آمد. آزادی، میراث جاودانه ایران است؛ میراثی که باید آن را با افتخار نگاه داشت و با فداکاری به فرزندان فردا سپرد.



انجمن یاران ملی ایران

